

# NABARD - E - KHALGH

No : 236 19.Fev. 2005 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE  
NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND  
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY  
NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A  
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

اسفند ماه

رفقا: رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مقتدای - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن اژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی - فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نبیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوربان - جلیل خواری نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سپروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۳۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.



وارثان مهربانیهای آن روزها این دیوهای امروزین نیستند. دزدان و آدمکشان ضد آزادی را هیچگونه پیوندی با حماسه بهمن ماه ۵۷ نیست. آزادی و عدالت که برای بدست آوردن آن هنوز ما در تلاشیم. به همین دلیل قیام بهمن را ارج می نهیم و به آرمانهایش احترام می گذاریم و در تداوم آن می کوشیم.

قیام بهمن بر همه آزایخواهان مبارک باد!  
۲۲ بهمن ۱۳۸۳

شهادی فدایی

کوبید و در یکدیگر گره زد، مردم نفس راحتی کشیدند. حالا دیگر تلویزیون در اختیار آنها بود... امام ماشالله قصابها حکم جهاد نداد ولی از ضلع جنوبی، پادگان عشرت آباد مورد حمله قرار گرفت. از سوراخی که در دیوار ایجاد شده بود، مردم به پادگان رخنه کردند و در عرض چند ساعت سقوط کرد. مردم زیادی مسلح شدند و کلانتریها بیش از این نمی توانستند در برابر آنها مقاومت کنند. کمیته های محلی به سرعت سازمان داده شدند و برای حفاظت از محله مردم دست بکار شدند... همزمان با حضور مردم در خیابانها و درگیری با نیروهای سرکوبگر، آخرین مرحله تحویل و تحول زد و بندچپها در پشت پرده انجام گرفت و بار دیگر نفس اژدها بهار آزادی مردم را زهر آگین کرد. بار دیگر دیو استبداد سر برآورد و هزاران نفر را بلعید. کام شیرین نشده مردم به تلخی گرایید و چوبه های دار و میدانهای تیر، جای مهربانیها را گرفت. در سالگرد این حماسه غرور آفرین، آزادی کشانی که اعتماد مردم را به یغما برده اند، پی در پی از مردم درخواست می کنند که برای بزرگداشت این روز به میدان بیایند. اما مردمی که هادی غفاری و زهرا خانم و حسن آیت را بیاد دارند، می دانند که

## قیام بهمن گرامی باد!

جعفر پویه

صدایی بلند و رسا از بلندگویی که روی مینی بوسی نصب شده بود فریاد می زد: "مردم امام حکم جهاد نداده، بروید به خانه هایتان." ابتدای خیابان تهران نو بود، بعد از میدان فوزه که بچه ها مشغول سنگر بندی بودند. خبرها لحظه به لحظه می رسید و موقعیت گاردیها که برای سرکوب همافران می آمدند را بازگو می کرد. صدای بالای مینی بوس که گوینده اش هادی غفاری بود، وقتی دید کسی گوشش به او بدهکار نیست، خفه شد. اولین تانک در یک مبارزه نابرابر در مقابل مردم، زیر پل میدان از کار افتاد و نشان داد که نیروی مردم بسیار قویتر از اسلحه های آمریکایی و انگلیسی شاه است.

امام هادی غفاریها حکم جهاد نداد ولی مردم شتابان کوکتل مولوتوف درست می کردند. فریاد التماس جارچی بندوبست بازان به جایی نرسید و زنان و دختران شتابان صابون رنده می کردند. مادران هربار که به آشپزخانه سر می زدند به جز لقمه ای برای تلاشگران، شیشه های آبغوره و آلبیمویی که در آشپزخانه خالی شده بود را به همراه می آوردند. همه در خیابان بودند ولی منبع تدارکات این رزم خیابانی، مادرانی بودند که با توسل به صابون رختشویی، رنده، مقداری نفت یا بنزین، شیشه آلبیمو و آبغوره که با تکه ای پارچه قتیله گذاری شده بود، قدرت نمایی می کردند؛ آخر تصمیم داشتند که با حکومت خودکامه تعیین تکلیف کنند. مهربانی سرتاسر محله موج می زد و دستهای که نان و پنیر و سبزی را به تساوی تقسیم کند، بسیار بود. کیسه هایی که از شن و ماسه یا خاک پر شده بود، دست بدست تا محل سنگر می رسید و هزاران دست برای برداشتن داوطلب بود. هرکس نگران دیگری، که صدای رگبارمسلحی در فضا پیچید و فرمان آماده باش داد...

امام اسمال تیغ زنها حکم جهاد نداد ولی یک واحد از رزمندگان فدایی برای تسخیر رادیو و تلویزیون دست بکار شد. جوانان بسیاری همراهشان بودند. رفیق قاسم سیادتی عضو کمیته مرکزی سازمان که فرماندهی عملیات را به عهده داشت، در داخل ساختمان به خاک افتاد. ولی رادیو و تلویزیون فتح شد و بدست مردم افتاد. وقتی علی حسینی در تلویزیون ظاهر شد و دستها را بالای سر برهم

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم